

نهضت احیای میراث شیعه:

## مکتب آقابزرگ تهرانی

گفتگو با دانشمند فرهیخته سید محمد حسین حسینی جلالی

● گفت و گو: محمد نوری

با مسافرت جناب آقای جلالی از آمریکا به ایران و در مدت محدود اقامت ایشان و علیرغم مشاغل فراوان، تقاضای گفتگویی را با ایشان در میان گذاشتیم که با گشاده رویی پذیرفت. به دلیل سوابق آشنایی و دوستی ایشان با علامه آقابزرگ تهرانی و علامه سید عبدالعزیز طباطبایی و نقشی که در تداوم کارهای آنها داشته است، مصاحبه را به نهضت احیای آثار علمی شیعه که با فداکاریهای علمی آقابزرگ تهرانی آغاز شده، اختصاص دادیم.



تدوین کتاب شناسی جامع آثار شیعی را احساس کرده و به این کار مشغول شد.

راجع به تاریخچه تألیف الذریعه و مراحلی که طی شد بفرمایید؟

تألیف این اثر سه مرحله مهم داشت. ابتدا الذریعه را در ۵۰۰ صفحه نوشت. پس از آن متوجه شد بسیاری از آثار خوب شیعی در آن نیامده است، با تفحص‌ها و جستجوهایی که کرد، فهرست جدیدی در شش جلد تألیف کرد. هر جلد حدود هزار صفحه داشت. باز راضی نشد و به جستجوی خود ادامه داد تا بالاخره کتابی در ۲۵ جلد که منتشر شده عرضه کرد. در تدوین، پسران آن مرحوم یعنی احمد منزوی و علی نقی منزوی بسیار به او کمک کردند. چند جلد در نجف منتشر کردند و بقیه را به ایران آوردند و در تهران منتشر کردند. خود مؤلف مدعی نبود که الذریعه کامل است. مؤسسات با

آقا بزرگ تهرانی (۱۲۹۳ - ۱۳۹۸ق) پایه گذار فعالیت‌هایی شد که به تدریج به صورت جریان فراگیری درآمد. خاستگاه اصلی این جریان، احیای آثار علمی شیعه و معرفی شیعه به عنوان یک نحله اصیل و دارای پرستیژ علمی بود. این جریان با کتاب الذریعه شناخته می‌شود و این کتاب، متن محوری و کتاب مرجع این نهضت است. خواهشمند است درباره الذریعه بفرمایید؟

علامه تهرانی (محمد محسن ملقب به آقابزرگ تهرانی) برای تألیف کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه زحمات فراوان کشید. حدود شصت سال پیش این کار را شروع کرد، با امکانات آن روز واقعاً صعب و بسیار دشوار بود. هدف و انگیزه ایشان گردآوری اطلاعات کتاب‌ها و رسایل شیعه در سراسر جهان بود. ایشان معتقد بودند کتاب‌هایی که کارنامه شیعه را عرضه می‌کند، مانند فهرست شیخ طوسی به لحاظ این که آثار تا قرن ششم قمری را معرفی می‌کند و از اطلاعات سده‌های بعد خالی است، نمی‌تواند جامع و شامل همه آثار شیعه باشد. از این رو ضرورت





خود مؤلف  
مدعی نبود که الذریعه  
کامل است. مؤسسات با  
ابزارهای جدیدی که در اختیار  
دارند یا محققان کتاب شناس باید به  
تکمیل الذریعه بپردازند. حداقل  
برای آن، چند جلد  
مستدرک تألیف  
کنند

بزرگوار به شرح و  
تکلمه نویسی بر آثار گذشتگان  
بسنده می کردند و کارهای نو خلق  
نمی کردند، این جریان هم شکل  
نمی گرفت.

بر کسی پوشیده نیست؛ مهم  
بحث درباره روش ابزارها است؟  
توجه به این قاعده و اصل کلی  
لزوم تجهیز به علوم روز، پاسخی به این  
پرسش هم هست. در قرآن و روایات بر دانش  
و ضرورت اهتمام به دانش های روز تأکید فراوان

شده است. حتی خط قرآن که به کوفی بود و به دلیل  
مشخصات خط کوفی، مثلاً نداشتن نقطه و اعراب،  
مسلمانان ضرورت اعراب گذاری و نقطه گذاری آن را یافتند و در  
همان سده اول و دوم قمری به اصلاح خط قرآن اهتمام ورزیدند.  
یعنی اصحاب یا تابعین، تعصب و جمود بر خط کوفی نورزیدند و  
به جهت اقتضائات و ضرورت های روز، اقداماتی را انجام دادند.  
امروزه قرآن به خط های مختلف نگاشته و به زبان های مختلف،  
ترجمه می شود. اینها همه به دلیل اجرای نیازها، توسط  
مسلمانان است.

به نظر شما پژوهشگران این جریان در گذشته چه  
تعاملاتی با بیرونی ها (دیگر مسلمانان و غربی ها) داشتند و  
الان ضرورت تبادل با آنان تا چه اندازه احساس می شود؟  
این موضوع که آقابرگ و دیگر شخصیت های این جریان  
چه تعاملات عینی و نظری و چه ارتباطات با دیگران داشتند و آن  
تعاملات چه تأثیری در فرآیند این جریان داشت، بسیار جالب  
توجه است. از سوی دیگر تأثیر این جریان بر پژوهش های  
دیگران و نیز نقش آن در کتاب شناسی و شخصیت شناسی های  
دیگر قابل بررسی است. به نظر بنده ما باید در اندیشه و علم را  
نبندیم و دائماً با دیگران در تعاطی و دادوستد باشیم تا خود را به  
آنها بشناسانیم و دیگران را تصحیح نماییم.

پژوهشگران اهل بیت (ع) نباید از علوم روز دور باشند. در  
کتاب شناسی و دیگر فنون زیرمجموعه اطلاع رسانی، باید به  
تکنولوژی روز مجهز شوند. یک نظر و رویکرد، تأکید بر  
مستدرک نگاری، شرح نگاری و حاشیه نگاری بر کارهای گذشته،  
همچون الذریعه می کند. همانگونه که در علوم دیگر، رویه  
بسیاری از اهل علم در دوره جدید، ماندن در چارچوب آثار  
دیگران است.

از دید و نگاه شما، چه اشکالات و نقدهایی بر کار بزرگان  
این جریان وارد است؟  
نکته مهم و دردناک اینکه این بزرگان کارشان فردی بوده  
است. علامه آقابرگ، علامه آقا عزیز طباطبایی و دیگران  
خدمات ارزنده و بزرگی ارایه کردند اما متأسفانه این خدمات، به  
صورت فردی و غیر گروهی بود. به کار گرفتن یک گروه و تجمع  
دانش، نظرات و تجارب یک گروه در یک زمینه، حتماً بهتر از  
یک نفر است. از سوی دیگر وقتی کار فردی شد، افراد شاخص  
تربیت نمی شوند و انتقال تجربه صورت نمی گیرد. به عبارت  
دیگر جریان فکری، بسط و تعمیق لازم را پیدا نمی کند و گاه به  
چند نفر ختم می شود.

اینان تلاش مضاعف برای نوآوری و ارایه مکتب نو ندارند.  
گویا به نظر آنان علوم به پایان راه رسیده اند. البته کسان دیگری  
هستند که برای تجدید، نوآوری و عرضه سبک ها و روش های  
جدید تلاش می کنند. در زمینه اطلاع رسانی نیز به  
مستدرک نویسی بر الذریعه اکتفا نمی کنند بلکه براساس  
ابزارهای جدید مانند اینترنت به ارایه روش های نو و اشباع  
اقتضائات جدید می پردازند.

نهضت احیای میراث شیعه، با نوآوری های پژوهشی  
آقابرگ طباطبایی و آقاعزیز طباطبایی شکل گرفت. اگر آن دو

ضروری ترین کار که در چارچوب این جریان و در زمینه

اطلاع‌رسانی مکتب اهل بیت (ع) هم اکنون می‌توان انجام داد چیست؟

به نظر می‌رسد دو کار، اساسی و ضروری‌ترین است. یکی تدوین فهرست جامع، یا یکی کردن همه فهرس گذشته است. دوم کامپیوتری کردن آن فهرس به منظور بهره‌وری راحت‌تر و آسان‌تر از آن است. منظوم از فهرس اعم است. یعنی کتاب‌شناسی‌های شیعه، همگی همارایی شوند و نظام یگانه‌ای پیدا کند. همچنین کتاب‌های قاموسی، تراجم (شخصیت‌شناسی) نیز همارایی و کامپیوتری شود.

اجازه بدهید به خود شما به عنوان یکی از اعضای جریان احیای میراث شیعه بپردازیم. از کتاب‌های درسیات حول الصحیفه السجادیه آغاز می‌کنیم. انگیزه شما برای تألیف این کتاب چه بود؟

تا ۱۳۹۴ق. مانند بسیاری، فکر می‌کردم صحیفه سجادیه، فقط همان کتاب مشهوری است که همه ما با آن آشنایی داریم. اما در آن سال در کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی در قم روایت دیگری از صحیفه دیدم که با روایت مشهور تفاوت داشت. صحیفه مشهور، نسخه‌ای از ابن علم مطهری است که توسط علامه مجلسی در بحار الانوار درج شد. پس از آن، دیگران از بحار الانوار برگرفتند و در جهان رواج یافت. نسخه دیگری متعلق به آقای محمد علی روضاتی در اصفهان به روایت ابن مشکین است.

بیشتر مطالعه و پی‌گیری کردم و نسخه دیگری با روایت دیگری کشف کردم. امیدوارم نسخه‌های دیگری هم یافت شود. این حادثه نشانگر اینست که هنوز همه ذخایر و میراث علمی اهل بیت (ع) کشف نشده است. بسیاری از آثار شیعه در کتابخانه‌های شخصی هنوز شناسایی، نسخه‌نویسی و گاه حتی روایت نشده است. باید همت کرد و اینها را شناسایی و معرفی کرد.

درس دیگری که این تحقیق به ما آموخت اینست که مردم علاقمند به معصومان (ع) بودند و پس از شنیدن روایات آنان به نقل و انتشار آنها می‌پرداختند. از این رو گاه یک روایت یا مجموعه‌ای از روایات از چند طریق به ما رسیده است. ما می‌توانیم با به کارگیری روش‌های علمی، به روش مقایسه‌ای، به نقادی آنها بپردازیم.

از نظر جغرافیایی آیا می‌توان اکتشافات آقابزرگ تهرانی و پیروان را طبقه‌بندی کرد؟ یعنی جهان را به چند منطقه تقسیم و فعالیت‌های کشف آثار و فهرست‌نگاری آنها را در برخی مناطق

کامل و در برخی کم و در برخی صفر ارزیابی کرد؟

بله، بررسی کارنامه آقابزرگ و دیگر مطیعان او از حیث جغرافیایی قابل بررسی است و زودتر باید مشخص شود که آقابزرگ کجاها را تفحص و جستجو کرده و کجاها نرفته است یا آقا عزیز طباطبایی همین‌طور و نیز دیگران. مثلاً آقای سید احمد اشکوری، چند سفر به یمن داشت و آثار آنجا را مطالعه و تا اندازه زیادی فهرست‌نویسی کرد.

ولی برخی نقاط جهان کمتر دیده شده است. برای نمونه آسیای میانه که دارای مناطقی مانند سمرقند بوده است و به دلیل اینکه جزو قلمرو ایران بوده است، حتماً آثار فراوان شیعی در آنجا وجود دارد. اما با سیطره دولت کمونیست شوروی بر آنها، شاید، بسیاری از این آثار به جاهای دیگر رفته باشد. به هر حال بررسی کتابخانه‌های قلمرو شوروی سابق اهمیت دارد. البته آقای سید محمود مرعشی در یکی دو دهه اخیر سفرهای زیادی به آن مناطق داشته و کارهای زیادی در این زمینه انجام داده است.

شما دو کتاب دیگر یکی الدراسات حول نهج البلاغه و دیگر الدراسات حول قرآن الکریم با همان سبک کتاب‌های الدراسات حول الصحیفه السجادیه منتشر کردید. به نظر می‌رسد این سبک کار، حاوی نوع و روش باشد. وقتی این سه اثر را در چارچوب جریان آقابزرگ نگاه می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که انتشار این آثار از نظر سبک‌شناسی و ساختار مباحث، نقطه عطف است؟ قرآن، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه سه منبع مهم و اساسی شیعه و کتاب‌های مرجع ما، محسوب می‌شود. غیر از توصیف‌های کوتاهی که در الذریعه یا برخی دیگر از کتاب‌شناسی‌های شیعه شده بود، نیاز به معرفی تفصیلی آنها احساس می‌شد. اما این معرفی را با یک ساختار مقبول و علمی باید انجام می‌دادیم. فکر کردم دو دسته اطلاعات باید ارائه گردد یکی اطلاعات تاریخی و سندشناسی و دیگر آگاهی‌های بیرونی درباره این سه اثر. مثلاً ما از بچگی با قرآن آشنا هستیم و قرآن می‌خوانیم ولی معمولاً نمی‌دانیم این کتاب چگونه به دست ما رسیده است و حوادث مهم مربوط به آن کدام است.

در واقع این سه اثر را گزارمان نگاری کردم. یعنی گزارشی از محتوای متن، سیر تاریخی و موضوعات وابسته به آن ارائه کردم. گزارمان‌نگاری در زمینه منابع شیعی مورد توجه بوده است.

کتاب دیگری زیر عنوان ارشاد المؤمنین منتشر کردید که در سال جاری در جشنواره کتاب سال ولایت به عنوان کتاب سال

## هنوز همه ذخایر و میراث علمی اهل بیت (ع) کشف نشده است. بسیاری از آثار شیعه در کتابخانه‌های شخصی هنوز شناسایی، نسخه‌نویسی و گاه حتی روایت نشده است. باید همت کرد و اینها را شناسایی و معرفی کرد

برگزیده شد، راجع به این اثر، نکته و توضیحی دارید؟

این کتاب را یکی از دانشمندان زیدی مذهب در شرح نهج البلاغه نوشته است. این اثر در یک مجله عربی معرفی شده بود و برای اولین بار از طریق آن معرفی، با آن آشنا شدم. برای یافتن نسخه‌ای از آن تلاش کردم و بالاخره نسخه‌ای یافته و تصحیح و چاپ کردم. بعداً متوجه شدم، نسخه‌های دیگری از جمله در ایتالیا دارد. برای بنده مهم این بود که با نگاه زیدی‌ها به نهج البلاغه آشنا شوم. ارتقا و بسط احیای میراث شیعه به عواملی از جمله به افزایش تعاملات علمی بین مذاهب شیعی بستگی دارد. اثنی عشریه، زیدیه و اسماعیلیه سه مذهب بزرگ شیعی هستند. این سه مذهب با همکاری‌های عملی و تعاطی‌های فکری و نظری می‌توانند به بسیاری از اهداف نایل شوند.

در ادامه فهرست نگاری آثار شیعی شما،

کتاب فهرست التراث را منتشر کردید. این اثر چه تفاوت و تمایزی با دیگر آثار از جمله الذریعه و فهرست شیخ طوسی دارد؟

اولاً به خودم اجازه نمی‌دهم کارم با فهرست‌های بزرگانی همچون شیخ الطایفه طوسی مقایسه شود. علت روی آوردن من به تألیف این اثر، نامه یکی از دانشمندان مصری اهل سنت به نام محمد سعید ایوب بود. او در این نامه به من نوشته بود که شما که می‌گویید شیعیان صاحب تألیفات متعدد و متنوع هستند و آثار زیادی بر مبنای فهرست شیعه تألیف شده است، خوب عیناً به ما نشان بدهید، در کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌های ما اثری از این عناوین نیست. من این اثر را به منظور نشان دادن مکان آثار شیعی نوشتم. البته گزیده نوشتم. یعنی قصدم از ابتدا تألیف یک اثر جامع نبود. به عبارت دیگر فقط کتابخانه شخصی خودم مبنای این فهرست نگاری بوده است.

پس از رؤیت این فهرست و یافتن آثاری از آن، محمد سعید ایوب در نامه‌ای به من نوشت: خیلی افسوس می‌خورم که چرا تا کنون با منابع اهل بیت (ع) کم آشنا بوده‌ام.

روش شما در این کتاب تا حدودی به طبقات نگاری یا قرن شماره‌ها نزدیک می‌شود در حالی که فهرست شیخ طوسی و فهرست منتجب‌الدین یا الذریعه براساس الفبای نام پدیدآورنده یا عنوان است؟

بله، مبنای اولیه طبقه‌بندی من، قرنی است که مؤلف در آن وفات یافته است. تقسیم‌بندی قرنی مزیت‌هایی دارد از جمله نشانگر آمار تألیفات شیعه در هر سده است. از تطور و تحول آثار می‌توان به نکات مفید پژوهشی رسید.

البته این مزیت چندان مهم نیست. مهم‌ترین هدف آرایه عینی و ملموس آثار شیعی بطوری که یک نویسنده اهل سنت را راضی کند بوده است.

آثار و دیگر تألیفاتی که در دست پژوهش دارید معرفی فرمایید؟

فهرست نگاری، دامنه‌ای وسیع دارد که شامل تهیه فهرست دست‌نوشته‌ها، فهرست کردن کتاب‌های چاپی، تدوین فهرست‌واره شخصیت‌ها و بالاخره تدوین فهرست احادیث می‌شود. همه این فنون ربط و پیوستگی‌هایی به یکدیگر دارند. جریان احیای میراث علمی شیعه هم در همه این زمینه‌ها فعال بوده است. اینجانب نیز به وسع خودم به این زمینه توجه داشته‌ام. اما اکنون به تدوین معجم احادیث اهل‌البیت (ع) مشغول هستم. کاری که مشغولم با دیگر کارهای پیشین تفاوت‌های جدی دارد. نیز کاری زیر عنوان الموافقات انجام داده‌ام. هدفم این بود که تمام روایاتی که از طریق ائمه (ع) به ما رسیده و عیناً از طرق اهل سنت با نقل از پیامبر اکرم (ص) نیز رسیده را فهرست کنم. این فهرست‌واره نشانگر انطباق و توافق روایات شیعه با روایات اهل سنت در برخی زمینه‌ها است. هفتاد و پنج درصد روایات مأثور از امامان معصوم (ع) موافق روایات نبوی است.

اگر خاطره‌ای از آقابزرگ تهرانی یا آقا عزیز طباطبایی یا نکته‌ای درباره آن بزرگواران دارید بفرمایید؟

در کتابی که درباره زندگانی آقابزرگ نوشته‌ام و با عنوان شیخ آفتاب منتشر شده، مسایل و خاطرات زیادی آورده‌ام. اینجا آنها را تکرار نمی‌کنم و فقط به ذکر این گفته اکتفا می‌کنم: سه ویژگی این دو بزرگوار برای ما عبرت‌آموز و قابل پیروی است: یکی عشق و علاقه آنان به تشیع و اهل بیت (ع) دوم پشتکار فوق‌العاده آنها و نهراسیدن از انبوه مشکلات و سوم تلاش آنان برای معرفی شیعه به عنوان نحله فکری و فرهنگی. خدمات آنان بود که در جهان چهره شیعه را عوض کرد. تلقی‌ها از شیعه، بر اثر تبلیغات، این‌گونه بود که شیعیان یک حزب مخفی و خراب‌کار و سیاسی‌کار هستند. امیدوارم ما هم در این راه کوشا باشیم.

\* باتشکر از اینکه وقتی برای این گفتگو در اختیار ما قرار دادید.

سه یکی عشق و  
علاقه آنان به تشیع و  
اهل بیت (ع) دوم پشتکار  
فوق‌العاده آنها و نهراسیدن از انبوه  
مشکلات و سوم تلاش آنان برای  
معرفی شیعه به عنوان نحله  
فکری و فرهنگی